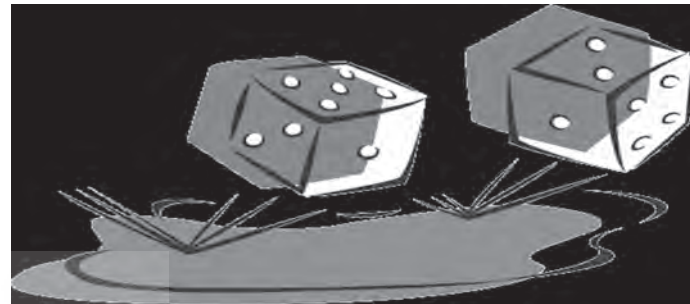


یادداشتی خطاب به مدیران بانکها

محمدحسین دانایی



قمار همه سر باخت

«هانس گتورگ گادامر» فیلسوف نامدار آلمانی، گفتگو را مهمترین ابزار شناخت معرفی می‌کند و می‌گوید: هدف از گفتگو، یک تلاش مشترک برای شناخت ناشناخته‌ها و نزدیک شدن به یک حقیقت است، با تأکید بر این که همه حقایق قابل دریافت ما، کوچک و موقتی هستند و تازه همین‌ها هم به تنهایی به دست نمی‌آیند.

ما نیز گفتگو را یک نقطه آغاز ضروری و مبارک برای درک یکی از همین حقایق کوچک و گذرا به شمار می‌آوریم و بدیهی است که به الزامات آن هم پایبندیم؛ یکی از این الزامات، کنار گذاشتن باورها و پیشداوری‌ها حداقل در دوره‌های است که گفتگو جریان دارد.

در این شماره به طور خاص، همکاران سیستم بانکی، به ویژه اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهیم تا درباره یک بلای نازل شده با آنان صحبت کنیم، بلایی که برای مدیران سیستم بانکی ایران مانند یک قمار همه سر باخت بود، چون هم مختصر منابع بانکی‌شان را به غارت برد و هم مختصر آبرو و اعتماد مردم نسبت به سیستم بانکی را.

تخریب ابزارهای بازدارنده

پند و موعظه انبیا و اولیای الهی و احتجاجات و استدلال‌های حکما و مصلحان اجتماعی درباره زشتی فساد و لزوم اجتناب از آن، به علاوه احکام و فرامین و برنامه‌ها و قوانین و مقررات بازدارنده از ارتکاب جرایمی همچون فساد اداری و مالی، تنها در صورتی مفیدند و می‌توانند کارآمد باشند که فساد به مثابه یک عارضه از بیرون حمله کرده باشد و هنوز از خطوط قرمز و حدود

اخلاقیات مورد وثوق جامعه عبور نکرده باشد، یا به صورت یک ناهنجاری، تنها بخش کوچکی از اندام را فراگرفته باشد، اما اگر فساد از این حدود فراتر رفته باشد، دیگر بکارگیری ابزارهای بازدارنده مزبور اثری ندارد و همانند انجام عمل واکسیناسیون برای شخص بیماری است که در دام پلاگرفتار آمده و در نتیجه، عمل واکسیناسیون فقط آنچنانش را آنچنان تر می‌کند.

یکی از نسخه‌هایی هم که در این زمینه و با این هدف صادر شده، برنامه دولت نهم است که همزمان با صعود دکتر احمدی‌نژاد به کرسی ریاست‌جمهوری منتشر شد و یکی از نقاط درخشان و جذاب آن هم تأکیدات مکرر بر مقابله و مبارزه و حتی مجاهده در برابر فساد بود. وی در همان زمان و به طور خاص، به گسترش بلیه فساد در سیستم بانکی هم پرداخت و در دیداری با استادان بسیجی دانشگاه‌ها در مهرماه سال ۱۳۸۴ صریحاً گفت: «اجازه بدهید دولت کاملاً مستقر شود، مطمئن باشید نخستین مدعی و برخوردکننده با مفسدین، خودم خواهیم بود.» و به دنبال این اظهارات بود که لیست اسامی مفسدان موجود در جیب ایشان، به سوژه روز مطبوعات منتقد تبدیل شد.

اما عملکردهای سالیان گذشته تا امروز که عمر دولت نهم به پایان رسیده و فرصت دولت دهم نیز رو به پایان است، همان گزاره پیشین را تأیید می‌کند و بار دیگر یادآور می‌شود که برخورد سطحی و سیاسی و شعاری با مسأله فساد هم فقط آنچنان را آنچنان تر می‌کند، کما اینکه خود ایشان هم بعدها گفت: نگذاشتند نظام بانکی را اصلاح کنیم.

نهادینه شدن فساد

واقعیت این است و بارها نیز اعلام و اثبات شده است که در حال حاضر، فساد مالی و اداری در ایران نهادینه شده و به صورت یک مسأله سیستماتیک در تمامی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و حتی فرهنگی حاکم بر جامعه ریشه دوانده است و یکی از مهمترین علل آن هم سلطه یک نظام اقتصادی مبتنی بر رانت و ویژه‌خواری است، نظامی که هم دولت را رانت خوار کرده و هم مردم را، سلطه و دوام این شرایط رانتی، به تدریج ساختارهای ذهنی و نظام باورهای جمعی را به گونه‌ای وارونه نموده که رانت جویی حریصانه، به یک عرف و رویه جاری در نزد افکار عمومی مبدل شده و ارتکاب هر نوع مفسده از طریق ارتباط با مراکز توزیع رانت که همان دولت است و هر نوع تلاش

ماجرای اخیر برای مدیران سیستم بانکی مانند یک قمار همه سر باخت بود، چون هم مختصر منابع بانکی‌شان را به غارت بردند و هم مختصر آبرو و اعتماد مردم نسبت به سیستم بانکی را.

مدیران سیستم بانکی هرگز نباید تلخی این تجربه ننگین را فراموش کنند.



عملکرد سالیان گذشته تا امروز که عمر دولت نهم به پایان رسیده و فرصت دولت دهم نیز رو به پایان است، ثابت می‌کند که برخورد سطحی و سیاسی و شعاری با بلای فساد، عملاً فساد را عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌کند.

نقدپذیر و حرکت به سوی آزادسازی بازارها، از جمله بازارهای پول و سرمایه و تقویت نظارت همگانی و حداکثر کردن نقش نهادهای نظارتی، به ویژه مطبوعات و رسانه‌ها و تاباندن نور افشاگری به دهلیزهای تاریکی که محلی امن برای رشد و نمو قارچ‌های سمی هستند.

درست است که در این شرایط، فساد به عنوان محصول طبیعی رانت، گسترش یافته و ریشه کن کردن آن هم محتاج مقدماتی سترگ، از جمله یک انقلاب اخلاقی و اقداماتی فراتر از ظرفیت و توان مدیران بانکی است، اما در عین حال، نمی‌توان نقش شخصیت‌ها و مدیران سیستم بانکی در مدیریت این گونه بحران‌ها را نادیده گرفت. همکاران سیستم بانکی، به ویژه مدیران بانک‌ها، اگر فقط لحظه‌ای به گذشته و اندکی به اطراف خویش بنگرند، الگوهای افتخار آفرین و آبرومندی را خواهند یافت که در شرایط اجتماعی مشابه، نقش تاریخی منحصر به فردی را ایفا کرده‌اند و در برابر هجوم فساد و دست‌اندازی ارباب قدرت به درون حصار سیستم بانکی، مردانه ایستاده‌اند و نگذاشته‌اند که سیستم بانکی ایران که محل کسب و کار و ارتزاق خودشان است، به مرکز تجمع فاضلاب‌های جامعه تبدیل شود و به سطح بنجل‌ترین سیستم بانکی جهان سقوط کند.

به طور قطع، ماجرای که امروز با عنوان بزرگ‌ترین اختلاس و کلاهبرداری تاریخ بانکداری ایران شناخته می‌شود، به زودی از تب و تاب خواهد افتاد و پرونده‌اش به طور نسبی بررسی و رفع و رجوع خواهد شد، اما مدیران سیستم بانکی هرگز نباید تلخی این تجربه شوم را فراموش کنند و نباید با ادامه رفتارهای متعطلانه فعلی، اجازه دهند که دشمنشان شاد شود. به قول کوروش کبیر: در روزگاری که خنده دشمن از زمین خوردن توست، بر خیز تا بگرید!

برای افزایش سهم شخصی از منابع رانتی مزبور، نوعی تلاش مجاز و درآمد مشروع تلقی می‌شود و هیچ قبچی ندارد و در نتیجه، کلیه اهرم‌های کنترل‌کننده فساد همچون بازار رقابتی، شفافیت و پاسخگویی و نهادهای نظارتی همچون قوه مقننه و قضاییه و سازمان‌های بازرسی و سرانجام، رسانه‌های گروهی با کارویژه‌های افتخارآمیزشان، عملاً از کار افتاده‌اند و از مدار صحیح خارج شده‌اند، تا جایی که منابع مالی و اقتصادی جامعه در برابر چشم مسوولان و در روز روشن به سهولت و با خونسردی و بی‌اعتنایی حیرت‌آور مردم به یغما می‌رود و دارایی‌های بانک‌ها، از جمله سپرده‌های مردم در بانک‌ها دزدیده می‌شود، اما سهامداران و سپرده‌گذاران بانک‌ها ککشان هم نمی‌گزد و حتی ارزش سهام بانک‌های غارت شده افزایش می‌یابد! بدیهی است که در شرایط مخاطره‌آمیزی که فساد در همه جا نفوذ کرده و به قول دادستان کل کشور، خود مجریان قانون، رفتارهای غیر مسوولانه دارند و خیانت می‌کنند، اگر تمامی امکانات ضروری برای جهاد اقتصادی و پیشرفت و توسعه هم وجود داشته باشد، تنها به نفع گروه‌های فاسدی خواهد بود که توسعه و دموکراسی را یکجا قربانی اهداف خود خواهند کرد.

نقش شخصیت‌ها

گرچه در حال حاضر، فساد اداری و مالی مزمین و نهادینه شده، ولی اگر اراده کافی برای اصلاح امور وجود داشته باشد، باز هم می‌توان کاری کرد و راهکارها و ابزارهای کارآمد برای ریشه کردن فساد را فراهم نمود، ابزارهایی همچون قراردادن هدف مبارزه با فساد در رأس همه اولویت‌ها و آغاز جهاد اکبر از بالاترین سطوح و رتبه‌های اداری و اجتماعی و بعد استقرار یک دولت محدود و پاسخگو و برقراری یک نظام حکمرانی خوب و